

# فصلنامه علمی- پژوهشی **رهیافت**

سال دوازدهم، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۹۷  
صفحه ۱۲۱ تا ۱۳۸

## آینده پژوهی مردم سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران

احسان خرم دره / دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

Khoramdarre1979@gmail.com

رویا منتظمی / دانشیار دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز Roy.montazemi@iauctb.ac.ir

حبیب الله ابوالحسن شیرازی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

hab-Abolhassanshirazi@iauctb.ac.ir

مرتضی محمودی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز Dmr.mahmoudi@gmail.com

### چکیده

این مقاله به بررسی آینده پژوهی مردم سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. مطالعه روندهای گذشته در مردم سالاری دینی نشان می‌دهد که ریشه‌های این گفتمان به دوران مشروطه و اولین رویارویی حکومت قاجار با مدرنیته غربی باز می‌گردد؛ زمانی که برای اصلاح نهادهای جدید غربی همچون مجلس شورای ملی، قانون و... نهاد دین وارد عمل شد؛ با شکل‌گیری سیاست‌های مواجهه جویانه پهلوی اول و دوم، حاملان این گفتمان با بازنگری کلی در سیاست‌ها، برنامه‌های خود، زمینه سلطه کامل این گفتمان را دو دهه بعد فراهم کردند که نتیجه آن پیروزی، دستیابی به قدرت و تشکیل جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود. با اینحال این گفتمان با مسائل و چالش‌های متعددی روبرو شده که لزوم آینده پژوهی را ایجاب می‌کند. مسائل جدید در قالب پیش‌رانهایی همچون جهانی شدن، مسائل اندیشه‌ای، هویتی و عملکردی خود را نشان داده‌اند. نحوه پاسخ گفتمان مردم سالاری دینی به این چالش‌ها به شکل سناریوهای مختلف در این مقاله نشان داده شد. روش تحقیق در این پژوهش، سناریوپردازی برای آینده محتمل است. روش گردآوری داده‌ها نیز مطالعات کتابخانه‌ای و فیش برداری است.

**کلیدواژه:** مردم سالاری دینی، آینده پژوهی، مشروطه، سناریونویسی، جهانی شدن، فقه پویا.

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۸/۰۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۶/۱۱

## مقدمه

مردم سالاری به عنوان یک مفهوم جهانی امروزه به بسیاری از حکومت‌ها مشروعیت بخشیده است. با سقوط رژیم‌های کمونیستی مهم‌ترین رقیب مردم‌سالاری حذف شد، به طوری که امروزه با گسترش دموکراسی به اروپای شرقی و آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین از دهه ۱۹۹۰ دموکراسی مفهومی جهانی و به شکل غالب حکومت مشروع تبدیل شد. به طوری که امروزه هیچ رقیب جهانی دیگری برای دموکراسی به عنوان یک مدل عمده حکومت وجود ندارد. کمونیسم مرده است و نظامیگری دیگر جاذبه و توجیه قانونی و عرفی ندارد. تن‌ها مدل حکومت اسلامی جذابیت اخلاقی و ایدئولوژیک برای تبدیل شدن به یک مدل جایگزین را دارد ولی این مدل به اقتضای اسلامی بودن تن‌ها در مناطق مسلمان نشین می‌تواند گسترش یابد (عبدالله، ۱۳۸۷: ۲۶). ایران از جمله این کشورهاست که پس از انقلاب، مردم سالاری دینی به روشنی به عنوان یک گفتمان مسلط در آن خود را نشان داده است. گفتمان سنتی حاکم بر جامعه ایران شامل دو لایه فرهنگی ایرانی و اسلامی است. در این راستا و در پی تقابل‌ها و رویارویی‌ها با مدرنیته و انواع مردم سالاری، گفتمان‌هایی شکل گرفته است که علما، روشنفکران، برجستگان سیاسی و متفکران به فراخور شناسایی مشکلات، در پی پاسخگویی و تولید فکر برای دستیابی به مناسبترین الگوی حکومت داری برای آن بوده‌اند (برخورداری و متقی، ۱۳۹۴).

با اینحال و به رغم بنیان‌های حقوقی و عملی موجود در قانون اساسی و سخنان رهبر انقلاب، نمود عملی این گفتمان، برای اولین بار در فضای سیاسی دوران پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ از سوی رهبر معظم انقلاب بکار گرفته شد. این عنوان جدید فی الواقع نامی تازه برای مفهومی قدیمی به شمار می‌رود. مفهومی که پس از پیروزی انقلاب محتوا و ساختار و صورت و شکل نظام سیاسی تازه تاسیس را بازنمایی می‌کرد. در حقیقت در پی جدال‌های فرهنگی سیاسی در ارتباط با مفهوم مردم سالاری و نوع حکومت در ایران، سال ۱۳۷۷ برای نخستین بار مقام معظم رهبری برای توصیف و تبیین نظام جمهوری اسلامی از تعبیر مردم سالاری دینی استفاده، و آن را رویکرد مشخص جمهوری اسلامی مطرح کردند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۲/۴). ایشان به صراحت فرمودند: «جمهوری، یعنی مردم‌سالاری؛ اسلامی، یعنی دینی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۸/۲۰). در سال‌های بعد نیز مسئله مردم سالاری را مورد توجه قرار دادند و بیان کردند که «این اندیشه سیاسی نو، متکی به فلسفه درست، متکی به زمینه‌های

فکری و اعتقادی مستحکم و از لحاظ عملی قابل اجرا و پیشرونده است و نیز بر این امر تأکید دارند که: مردم سالاری ما از دل اسلام جوشید (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

در دل مباحثات مربوط به شکل گیری و قوام این گفتمان در فضای سیاسی ایران، تحولات جدیدی بویژه در عرصه تکنولوژیک حادث شده که ویژگی ذاتی آن‌ها کمک به تقویت گفتمان‌های حاشیه‌ای در مقابل گفتمان مسلط است. لذا سؤال اساسی که پیش می‌آید این است که بررسی آینده مردم سالاری دینی یا به مفهوم دقیق‌تر، آینده نگری و آینده پژوهی این گفتمان چگونه خواهد بود؟ به عبارت دیگر، در فضا و بستر آینده‌های متحول و سیال، چه سرنوشتی پیش روی مردم سالاری دینی در عصر جهانی شدن و ظهور هویت‌های مختلف منبعت از ظهور تکنولوژی‌های سایبرنتیک و افول دولت و ستفالیایی که به تبع آن به تقویت «دیگری‌ها» می‌انجامد می‌باشد؟

### ۱- تعریف آینده پژوهی

آینده پژوهی مطالعه سیستماتیک آینده‌های مرجح، ممکن، محتمل شامل دیدگاه‌هایی است که بر هر آینده‌ای تأکید می‌کنند. در پنجاه سال اخیر مطالعه آینده از حالت پیش بینی آینده به ترسیم آینده‌های بدیل و شکل دهی به آینده‌های مطلوب در سطوح جمعی بیرونی و فردی درونی حرکت کرده است (Masini, 1983). در فرهنگ لغت فلسفه آکسفورد، "آینده شناسی" اینگونه تعریف شده است "...فعالیت مربوط به پیش بینی وضع جهان در زمان آینده از روی قرائن روندهای حال" (Blackburn, 1996:151). در فرهنگ فلسفه آینده شناسی اینگونه تعریف می‌شود: "...تحقیق در روش‌های پیش بینی و در آنچه که آینده در خود جای می‌دهد". در حالیکه در فرهنگ تفکر مدرن نورتون، اصطلاح مذکور اینگونه تعریف می‌شود: "یک حدس یا تفکر منظم عقلانی؛ پیش بینی که مبتنی بر روند مداوم یا مبتنی بر برخی احتمالات تعریف شده رویدادهاست؛ و پیش بینی که از وقوع یک حادثه خاص خبر می‌دهد." تا آنجا که به این تعریف‌ها مربوط است تعدادی از عناصر مهم در آینده شناسی یا آینده پژوهی وجود دارد:

الف. فعالیت‌های معطوف به پیش بینی یا پیش گویی از طریق روش‌های مختلف؛

ب. مطالعه روند کنونی در بخش‌های طبیعی، تکنولوژیکی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی؛

ج. احتمالات مربوط به آینده به معنی وضع جهان در زمان آینده.

با در نظر گرفتن تمامی این ویژگی‌ها می‌توان تعاریف آینده پژوهی را از منظر آینده پژوهان درک کرد. بر طبق نظر روی آمارا، آینده پژوهی عبارت است از:

الف. هرگونه تلاش سیستماتیک جهت بهبود فهم ما از پیامدهای آینده انتخاب‌های حاضر. ب. هرگونه تلاشی برای سیستماتیک کردن مفروضات و ادراکات مان درباره آینده. این امر در سه دسته بندی جای می‌گیرد: کشف آینده‌های ممکن (اثر آینده گرایی)؛ کشف آینده‌های محتمل (علم آینده گرایی) و کشف آینده‌های مرجح (سیاست و روانشناسی آینده گرایی). (Amara, 1974: 289-290)

## ۲- روندهای گذشته مردم سالاری دینی در ایران

مطالعه روندهای تاریخی نشان می‌دهد که مردم سالاری دینی به عنوان یک گفتمان در ایران مدرن، اولین بار پس از ورود مدرنیته و ظهور مشروطه خواهی خود را نشان داده است. حاملان این گفتمان در فضای آزمون جامعه ایران که اندیشه سنتی ترک برداشته بود تلاش کرد تا در کشاکش شکل‌گیری نهادهای جدید مدرن، عنصر دین را حفظ کند. نمونه این مساعی در تدوین قانون در اندیشه مشروطه خواهان نمود پیدا می‌کرد جایی که آن‌ها خواهان پیوند و آشتی این مفهوم با شریعت بودند (آدمیت، ۱۳۵۲: ۳۱) در اصل بیست و هفتم قانون اساسی مشروطه نیز در تشریح وظیفه قوه مقننه چنین آمده است: قوه مقننه که مخصوص است به وضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی می‌شود از علیحضرت شاهنشاهی، مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشأ حق انشاء قانون دارد ولی استقرار آن موقوف است به عدم مخالفت با موازین شرعی و تصویب مجلسین و تو شیخ به صحنه همایونی ... (متمم قانون اساسی مشروطه، اصل بیست و هفتم). (مازندرانی و خراسانی، ۱۳۷۴: ۴۸۵) عنصر محوری دیگر در ساخت مشروطه، که نشانگر شکل‌گیری بنیان‌های مردم سالاری دینی بود در مجلس شورای ملی تجلی پیدا می‌کرد که «مختار بودن مجلس در انشاء قوانین» را منوط به تایید نهاد دین می‌کرد. گرایش سکولار اگرچه به طور غیرمستقیم بر مطلق بودن اختیار مجلس مردم نظر داشت، اما گرایش مذهبی بر ضرورت انطباق قوانین مجلس با احکام شریعت و محدودیت اختیار مجلس اصرار می‌ورزید. دغدغه نظارت فق‌ها بر مصوبات مجلس به اندازه‌ای بود که برخی مشروطه خواهان همچون سید لاری بر لزوم ریاست فقیه بر مجلس تاکید می‌کردند به

1- possible futures

2- probable futures

3- preferable futures

اعتقاد او « شرط کمال مجلس این است که اقلأ و اولاً شخص اول مجلس فقیه عادل و جامع الشرایط باشد » (لاری، ۱۳۷۷: ۴۰۸).

ظهور رضاشاه و سپس فرزندش محمدرضاشاه و در پیش گرفتن سیاست هایی برای قدرت زدایی از طبقه روحانی و گفتمان مورد نظر آنها، منجر به تامل جدی این طبقه در روش ها و سیاست های اداره سازمان روحانیت شد. بنابراین مردم سالاری دینی به عنوان یک گفتمان قابل احترام و توانا در اداره امور حکومت در حقیقت از دهه ۱۳۴۰ نقدها و نقصان های خود را در عرصه نظری برطرف کرد. رویارویی دولت پهلوی و گرفتن امتیازات سنتی طبقه روحانی و عرفی سازی آن ها موجب شد تا روحانیت تامل، تجدید سازمان و خانه تکانی جدی را در دستور کار قرار داده و برای اولین بار در تاریخ خود، توانست به بنیان گذاری یک گفتمان قوی و قابل دفاع برای حکمرانی دست بزند. روحانیت دریافت که برای به چالش کشیدن دولت و بهره بردن از پشتیبانی مردم نخست به یک خانه تکانی جدی فکری و سازمانی نیاز دارد. اینان دریافتند که نمی توان در برابر موجی از آموزه های فلسفی غربی که در کالبد اندیشه های مارکس، نیچه، داروین، اگوست کنت و غیره تجسم یافته و به گفتمان فلسفی ایرانی راه یافته اند برای همیشه دست به سینه ایستاد. به گمان ایشان می بایست با این آموزه ها که در گذشته به کاهش نفوذ مذهب در غرب کمک کرده بود دست و پنجه نرم کند به جای تعطیل گفتمان (اصطلاح هربرت مارکوزه) به عقلانی کردن زندگی بپردازند (بروجردی، ۱۳۷۷: ۱۳۷). یک راه پاسخگویی به شبهات موجود و معرفی گفتمان مردم سالاری دینی، گذر از سیاست حذفی فدائیان اسلام و انتشار کتاب ها و آثار مختلف محققانه بود. سخنرانی های افرادی همچون بازرگان، سبحانی، آیت اله طالقانی و... در بیان دیدگاه های اسلام گرما بخش حرکتی بود که از گوشه و کنار در حال شروع شدن بود. بازرگان سعی داشت که با استفاده از آموزه های علمی به تبیین برخی از پدیده ها و تعالیم مذهبی بپردازد. «مطهرات در اسلام» اولین کتاب بازرگان در این راستاست. این کتاب در صدد ارائه تفسیری علمی بر مطهرات در اسلام است. نمونه این تلاش در بسیاری دیگر از آثار بازرگان از جمله متن ویرایش شده سخنرانی های او در مناسبت های مختلف به چشم می خورد. بازرگان هم چنین از یافته های علمی خود برای نقد مارکسیسم در کتابی به نام «علمی بودن مارکسیسم» سود جست. گذشته از این آثار، بازرگان تلاش های جدی برای قرائت از دین داشت که می توان در این چار چوب از تحقیق «سیر تحول قرآن» یا دیگر آثاری از این دست نام برد (بازرگان، ۱۳۷۸: ۳۵۸).

بازرگان در بعثت و ایدئولوژی از اندیشه تأسیس یک حکومت دینی سخن گفته بود. در آن سخنرانی گفته بود که «دین خدا یکی بیش نبوده و نیست» و بدین ترتیب اختلافاتی که بر اساس منافع یا تلقی‌های مختلف از دین می‌تواند در یک حکومت دینی بروز یابد را دست کم گرفته بود....» (بازرگان، ۱۳۴۳: ۳۴۳-۳۳۷)

دکتر شریعتی و استاد مطهری نماینده دو اندیشه و طرز تفکر و نیز دو نوع نگاه به اسلام و تمدن اسلامی می‌باشند و هر کدام از دریچه برداشت خود از اسلام، به مسائل مختلفی که جامعه جدید ایران و اسلام با آن روبرو هستند نگاه می‌کردند. البته توجه اصلی آن‌ها به رویارویی جامعه با آثار تمدن غربی و مدرنیته معطوف است. به همین دلیل ابتدا به ریشه‌یابی مشکل می‌پردازند (کاجی، ۱۳۷۸: ۴۱-۴۰).

آیت الله طالقانی نیز با نوشتن کتاب اسلام و مالکیت تلاش کرد تا نشان دهد اسلام در موضوعات مختلف اقتصادی و سیاسی با زمان‌های مختلف سازگار است. در حقیقت هدف حاملان مردم سالاری دینی سازگار کردن الهیات اسلامی با عصر مدرن بود. آن‌ها تحت فشار فزاینده برای پذیرش این نکته بودند که جهانی که با سرعت تحول می‌یابد به الهیاتی تغییر یابنده نیازمند است. گفتمان مورد پشتیبانی آن‌ها در قالب پاسخ به جزوه شریعت سنگلجی، ظهور روحانی زادگانی همچون محمد کاظم عصار و مهدی حائری یزدی که در غرب درس خوانده بودند و دست کم یک زبان اروپایی را بلد بودند، تأسیس مدرسه فیضیه قم و تبدیل آن به مهم‌ترین مرکز علوم دینی و انتشار کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله در انتقاد از حکومت استبدادی به مقابله با جزم اندیشی رفتند (بروجردی، ۱۳۷۷: ۱۴۷-۱۵۲). تا اینجا می‌توان نتیجه گرفت که مردم سالاری دینی توانسته است از دل بحران‌های مختلف به خوبی عبور کرده و پاسخ مناسبی به شبهات موجود بدهد. نتیجه نهایی آن دست یافتن به قدرت و عملی کردن رویایی تبدیل این گفتمان به یک گفتمان مسلط بوده که با تأسیس جمهوری اسلامی محقق شده است. با این حال لازمه تداوم این گفتمان به عنوان یک گفتمان مسلط، رویارویی عقلانی با تحولات نوظهور است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در جهانی شدن و تعمیق هر چه بیشتر ارزش‌های غربی از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی جدید می‌باشد.

### ۳- سناریوهای تاثیرگذار بر آینده گفتمان مردمسالاری دینی

در گونه شناسی چارچوبه‌های کلان مطالعات آینده مبتنی بر معرفت شناسی مدرن در حیطه علوم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، حداقل هفت گونه چارچوبه مطالعاتی با رهیافت‌های چندگانه قابل مطالعه می‌باشد:

- رویکردهای پیشگویانه - تجربی، فرهنگی - تفسیری و مطالعات انتقادی
  - مطالعات برون‌یابی، آرمان‌شهری و چشم انداز
  - آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح در تیپولوژی مشهور آمارا
  - مطالعه آینده براساس علقه‌های شناختی فنی، تفسیری - عملی، رهایی بخش در دستگاه معرفت شناسی هابرماسی
  - رویکردهای اثبات گرایی، رئالیسم انتقادی و فرائب‌نگرایی
  - رهیافت‌های توصیفی، پارادایم سناریو و تکاملی
  - رهیافت‌های متصف به نقش‌های متفاوت عواملان در برنامه ریزی بلندمدت و فرآیند تصمیم‌گیری: افراد حرف‌های، تصمیم‌گیران و تشکل‌های عمومی در پیوستاری از پوزیتویسم سنتی، انسان‌گرایی خوشبینانه، انسان‌گرایی کثرت‌گرایانه، دموکراسی انتخابی، عملگرایی انتقادی، عملگرایی نسبی و آنارشیزم دموکراتیک (مطهری نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۵).
- در تمامی این چارچوبه‌ها و رهیافت‌های مطالعاتی، دو امر مشترک قابل ردیابی می‌باشد: از سویی سیر تطور این رشته از توجه به نیروهای خارجی و فوق طبیعی نظیر آنچه در طالع‌بینی و ستاره بینی مورد توجه بود به سوی مطالعه روندها و الگومندی‌های تاریخی و نیز بررسی نقش انسان از امری آمدنی به امری ساختنی و ابزاری تغییر می‌کند. از سوی دیگر در دوره «احاطه طبیعت بر انسان» تا پیش از مدرنیته، آینده به طور طبیعی و ارگانیک برآمده از گذشته بود اما در این دوره مبتنی بر انگاره بهره‌کشی انسان از طبیعت، آینده در جایگاه ابزاری تاریخ‌ساز، بکار گرفته می‌شود تا آینده ساخته و پرداخته آدمی باشد. اگرچه این دستکاری در طبیعت و جامعه از آغاز دوره مدرن، سامان پذیرفت و دستکاری در آینده نیز از تبعات جبری آن بود، اما از نیمه قرن بیستم، امکان‌پذیری دستکاری در آینده به صورت خودآگاه و علمی، جامعه حضور پوشید. بر این اساس با این پیش‌فرض که آینده آبستن پیشامدها و رویدادهای مختلف است، اما کدامیک از این پیشامدها، برای ما مطلوبیت بیشتری دارند و کدامیک، احتمال وقوع بیشتری خواهند داشت، دستکاری سیستماتیک و علمی آغاز گردید. از دل این پرسش‌های راهبردی، انواع آینده پژوهی تحلیلی یا اکتشافی، آینده پژوهی

تصویر پرداز و بالاخره آینده پژوهی هنجاری و تجویزی تعریف و در حیطه‌های مختلف مطالعات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به کار گرفته شدند. این رهیافت فراتر از عرصه‌های خرد سیستمی و اجتماعی، در سطوح کلان فرهنگی و تمدنی به مرور تا جایی پیش رفت که در اواخر قرن بیستم با پایان جنگ سرد، به مدد نظریه پردازان آینده گرا نظیر فوکویاما، هانتینگتون، تافلر و دیگران، پارادایم ایدئولوژیکی لیبرال دموکراسی که در هیأت دولت-ملت‌ها بروز داشت، جای خود را به پارادایم فرهنگی-تمدنی در عرصه علوم سیاسی و ارتباطات بین الملل داد.

به منظور فهم بهتر این تغییر و تبدیل، تلاش می‌شود تا با روش سناریو پردازی آینده مردم سالاری دینی را مورد بررسی قرار داد. سناریوسازی یکی از شیوه‌های رایج آیندپژوهی است که از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای آینده، تصاویری باورپذیر و به لحاظ درونی سازگار از آیند ایجاد می‌کند (لیندگرن و بانهولد، ۱۳۹۰: ۳۶) طراحی سناریو یک روش برای توسعه و تفکر درباره موقعیت‌های آینده ممکن براساس چند سناریوی مختلف است (Schoemaker, 1995:26). برای درک صحیح از سناریو، در ابتدا لازم است ماهیت عدم قطعیت‌ها تبیین شود. عدم قطعیت‌ها به عواملی اشاره دارند که نتایج آن‌ها شناخته شده است اما هنوز اتفاق نیفتاده اند. منظور از عدم قطعیت در این تحقیق، میزان غیرمترقبه بودن تحولات و اتفاقاتی است که در آیند رخ خواهد داد. به طور کلی روش‌های مختلفی برای طراحی سناریو رواج یافته است که یکی از پرکاربردترین و قدرتمندترین روش‌های تدوین سناریو، روش ماتریس عدم قطعیت‌ها یا روش دو محور است که برای نخستین بار توسط شرکت نفتی شل مورد استفاده قرار گرفت. این الگو در تمام دنیا در سناریوسازی حاکم است. در این روش تدوین سناریو یک روش سازمان یافته است که در آن با استفاده از کشف نیروهای پیشران کلیدی و عناصر نسبتاً معین و عدم قطعیت‌های موثر سناریوها تدوین می‌شوند سناریوها رد واقع چندین الگوی متمایز از آینده‌های ممکن هستند که کشف و تعریف می‌شوند و همواره در مجموعه‌هایی حاوی بیش از یک سناریو برای بیان عدم قطعیت آیند ظاهر می‌شوند. منظور از عدم قطعیت‌های کلیدی مسائلی درباره آیند یک پدیده است که پیش بینی آن دشوار است ولی تاثیر چشمگیری بر موفقیت برنامه‌های در دست اجرا دارد. در واقع آندسته‌ها عوامل محیطی را که در طراحی سناریو‌ها، دارای بالاترین میزان اثرگذاری و عدم قطعیت باشند عدم قطعیت‌های کلیدی می‌گویند. همچنین منظور از عناصر نسبتاً معین، آن دسته از فضاهای فرصت هستند که به هیچ یک از حلقه‌های زنجیره حوادث وابسته نیستند. اگر فضای



فرستی فارغ از به وقوع پیوستن سناریویی از پیش مشخص باشد آن فضای فرصت یک عنصر نسبتاً معین یا موضوعی مناسب برای برنامه ریزی است. پدیده هایی با تغییرات کند و آهسته، همچون رشد جمعیت یا واقعیت‌های موجود، مثل نسبت جوانان یک کشور به کل جمعیت آن، از این دسته عناصر نسبتاً معین می‌باشند (رکوتی، ۱۳۹۳: ۲۴).

در واقع در روش ماتریس عدم قطعیت‌ها، با تقسیم فضای رتبه بندی هر یک از پیشران‌ها می‌توان مسائل را به مناطق کلی زیر تقسیم بندی کرد:

- تاثیر بالا-عدم قطعیت پائین

- تاثیر پائین-عدم قطعیت پائین

- تاثیر پائین-عدم قطعیت بالا

- تاثیر بالا-عدم قطعیت بالا

براین اساس مسائل دارای رتبه بندی تاثیر بالا-عدم قطعیت پائین، مسائلی عمده اما دارای ثبات نسبی هستند. می‌توان به مسائلی که دارای تاثیر پائین-عدم قطعیت پائین هستند به سرعت پرداخت. بطور کلی این مسائل نیازی به سرمایه گذاری زیاد تحلیل برای درک بهتر ندارند. عناصر این دو طبقه بندی بنا به تعریف، عناصر از پیش مشخص هستند. مسائلی که به عنوان تاثیر پائین عدم قطعیت بالا رتبه بندی می‌شوند نیاز به تحقیقات بیشتر به دلیل رتبه بندی عدم قطعیت دارند. رتبه بندی‌های عدم قطعیت‌های بالا به معنای آن است که نتایج پایانی این مسائل ناشناخته هستند. سرانجام مسائل و عناصر دارای برچسب تاثیر بالا-عدم قطعیت بالا را عدم قطعیت‌های بحرانی می‌نامند. آن‌ها دارای توان بالقوه تغییر بنیادین فرض‌های دستور کار راهبردی و مسائلی با نتایج قطعی هستند. از اینرو عدم قطعیت‌های بحرانی برای ساخت منطق سناریوها استفاده می‌شود (چرمک، ۱۳۹۴: ۱۷۹-۱۷۸).

بدین ترتیب می‌توان گفت در جهان کنونی که مشخصه آن عدم قطعیت، نوآوری و تغییر مداوم است تفکر سناریویی به عنوان یک ابزار یا تکنیک مفید برای مقابله با این عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌ها ایجاد و توسعه یافته است که بر مبنای آن می‌توان با شناخت از آینده تغییر و تحولات بوجود آمده در آن، شرایط تهدید آفرین و بحران‌زا را به موقعیت‌های مناسب سیاسی تبدیل کرد و شرایط و زمان کنونی را بر اساس آن مدیریت نمود. این امر نیازمند شناخت صحیح از آینده‌های ممکن پیش رو، عوامل تاثیرگذار بر آن و شناخت پدیده‌های نوظهور و شگفتی‌ساز است که آینده را در معرض تغییر و تحول چشمگیر قرار می‌دهند.

### ۱-۳- پیشران‌های مردم سالاری دینی در ایران

به منظور بررسی آینده باید عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آینده هر موضوع یا پدیده را مورد ارزیابی قرار داد و با شناخت صحیح هر یک از این مؤلفه‌ها به برنامه ریزی و اتخاذ تصمیمات راهبردی و متناسب با آینده مسائل و موضوعات به منظور تبدیل شرایط پیش روی آینده به فرصت‌های مناسب پرداخت. همان طور که اشاره شد برای نگارش سناریوها نیازمند شناسایی نیروهای شکل دهنده به آینده یا پیشران‌ها هستیم تا با ارزیابی هر یک از این عوامل به نگارش سناریوها پردازیم. در متون آینده اندیشی، پیشران‌ها اشاره به نیروهای عمده شکل دهنده آینده دارد. پیشران‌ها به صورت غیرمستقیم بر حوزه‌های مختلف تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر مؤلفه‌ها یا عوامل اصلی متشکل از چند روند که باعث ایجاد تغییر در یک حوزه مورد مطالعه می‌شوند. در واقع نیروهای پیشران مفهومی است که بیشتر در طراحی سناریوها مورد استفاده قرار می‌گیرند و منظور نیروهایی است که بر پیامد رویدادها اثر دارند. عناصری که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریوها شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند (شوراتز، ۱۹۹۹). در حوزه مردم سالاری دینی اگرچه همانند موضوعات فنی نمی‌توان به راحتی پیشران‌ها را مشخص کرد و به سناریوپردازی پرداخت با این حال طیفی از مؤلفه‌ها همچون فقه، جهانی شدن و تحولات اجتماعی و سیاسی در سطوح گوناگون در شکل دهی به آینده آن موثرند. در اینجا مهم‌ترین پیش رانهای موثر بر مردم سالاری دینی نشان داده می‌شود. جدول شماره (۱) مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده پژوهی گفتمان مردم سالاری دینی در جمهوری

اسلامی ایران

عملکرد حاملان	هویت	جهانی شدن	اندیشه ای
رفتار سیاسی	حقوق شهروندی و قانون	اقتصادی	فقه پویا
عدالت قضائی	مشارکت سیاسی	فرهنگی	فقه سنتی
فساد ناپذیری	همبستگی ملی	سیاسی	احیاگری یا روشنفکری

#### ۱-۳-۱- فقه پویا

در طول تاریخ هم چنان که دامنه مسائل و مشکلات گسترده می‌شد، بر ابواب فقهی نیز افزوده می‌گشت. امروزه به برکت تعامل خلاق و سازنده فقیهان با واقعیات زندگی مسلمین، گنجینه پر ارزشی از فقه بعنوان یکی از علوم اسلامی که در سایه قرآن کریم تکوین یافته، در دست داریم. جهان امروز در سایه بکارگیری شیوه‌های نوین و ابزارهای کارآمدتر، گستره بسیار متفاوتی از گذشته پیدا کرده است؛ چنان که گفته می‌شود آنچه بشر در عصر حاضر به آن دست یافته، بیش از همه آن چیزی است که در طول تاریخ علم یافته بود. این امر در

حوزه علوم تجربی و تکنولوژی محصور نمی ماند؛ بلکه اندیشه‌ها را نیز در بر می گیرد و علوم انسانی، جامعه شناسی، هنر، ادبیات و اتمام ابعاد زندگی بشر را شامل می شود. وضع موجود طبعاً سؤالات و مشکلات تازه و پیچیده‌ای نیز برای بشر فراهم می آورد که در یک جامعه دینی، فقه و فقیهان متکفل پاسخگویی به آن‌ها هستند؛ زیرا از سویی عقیده داریم هیچ رطب و یابسی در قرآن فرو گذار نشده است، و از سوی دیگر فقه که احکام تکلیفی انسان را از قرآن استخراج می کند، عرصه‌ای از گهواره تا گور را شامل می شود. این همه زمانی اهمیت دو چندان پیدا می کند که مشکلات و سؤالات مزبور در حیطه مسائل فردی یا اجتماعی منفرد باقی نماند؛ بلکه در نظام اجتماعی و سامانه‌ای مبتنی بر حکومت دینی و ولایت فقیه طرح شود. در چنین نظامی انتظار می رود قوانین وضع شده ماهیت کاملاً اسلامی داشته باشند، دستگاه قضایی مبتنی بر فقه شکل بگیرد و قوه مجریه هم چون بازوی توانمندی برای پیاده کردن احکام فقهی در سطح کلان جامعه عمل نماید. مقدمه لازم جهت برآورده شدن انتظارات فوق این است که اجتهاد و فقاہت پا به پای مسائل و مشکلات امروزین پیش رود و توانایی خود را در پاسخگویی نظام مند به مشکلات قانونی، حقوقی و قضایی مردم در سطوح مختلف جامعه به منصفه ظهور رساند تا در حرکتی هماهنگ و منسجم ثمره‌ای دهد که تأثیرش در تمام فضای جامعه محسوس گردد و آحاد ملت با تمام وجود، برکت آن را در زندگی فردی و اجتماعی حس کنند. اجتهاد و فقاہت سنتی در عین حالی که میراث گرانقدری برای فرهنگ و تمدن اسلامی است، اگر به شیوه‌های نو و ابزارهای تازه نیندیشد، نمی تواند کارآمدی خود را برای جهان امروز حفظ کند. معمار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در همان حال که اجتهاد سنتی را می ستود، بر فقه جواهری پای می فشرد و تخلف از آن را جایز نمی دانست (صحیفه نور، ج ۲۱: ۹۸) معتقد بود که «اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست» لذا روحانیان را تشویق می کرد که با مسائل و مشکلات مردم فعالانه برخورد نمایند. روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۰۰). زیرا برخورد با مشکلات سبب می گردد فقیه نخست به عدم تناسب مشکل و راه حل‌های موجود پی ببرد و سپس نیازهای جامعه و مقتضیات زمان را به نیکی شناسایی کرده، راه حل‌های مناسب دینی را برای مشکلات مردم ارائه دهد. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در آذر ۱۳۷۴ سخنان ارزشمندی در خصوص اهمیت روش‌ها و لزوم دگرگونی آن‌ها خطاب به علما و طلاب مدرسه فیضیه قم ایراد کردند و از جمله فرمودند: «فقاہت، یک شیوه و روش برای

استنباط آن چیزی است که ما اسمش را فقه می‌گذاریم... فقاهاست یعنی شیوه استنباط. خود این هم به پیشرفت نیاز دارد... فقاهاست در دوره‌های متعدد تکامل پیدا کرده است. چه دلیلی دارد که فضلا و بزرگان و محققان ما نتوانند بر این شیوه بیفزایند و آن را کامل کنند؟ ای بسا خیلی از مسائل، مسائل دیگری را در بر بگیرد و خیلی از نتایج عوض گردد و خیلی از روش‌ها دگرگون شود. روش‌ها که عوض شد، جواب‌های مسائل نیز عوض خواهد شد و فقه طور دیگری می‌شود. این از جمله کارهایی است که باید بشود». برای دست یابی به این مهم، مطالعات گسترده و برنامه ریزی‌های بنیادین در نظام‌های آموزشی حوزه‌های علمیه و پژوهش‌های فقهی لازم است؛ تا در عین بهره‌گیری از میراث گرانقدر پیشینان، افق‌های روشن آینده نیز به روی فقه پویا گشوده گردد. بنابراین وجدانیات فقهی دارای چارچوب‌های نظام مند و قابل تحصیل هستند (جودی نعمتی، ۱۳۸۶).

## ۲-۱-۳ جهانی شدن

جهانی شدن با مجموعه‌ای از نیروها و عناصر متضاد بصورت چندبعدی و در جهت‌های متعدد حرکت می‌کند. این پدیده زندگی، شخصیت، هویت و احساسات افراد را نیز هدف قرار داده است. آثار آن ساختارهای داخلی جوامع را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. فشارهای جهانی شدن سبب بروز امکانات و انگیزه‌های تازه برای کسب هویت و استقلال نیز می‌شود. در چنین فضایی تجربه انقلاب اسلامی ایران و برپایی جمهوری اسلامی در کشور ما تجربه جدیدی در میان کشورهای در حال توسعه برای حفظ و دفاع از هویت بومی خود و یافتن الگویی مناسب برای تامین نیازهای گوناگون خود در نیمه پایانی قرن بیستم بوده است. این تجربه‌ها پس از یک دهه با طرح ایده مردم سالاری دینی در شرایط جهانی شدن که ارزش‌های انسانی و حقوق بشر جنبه جهانی به خود گرفته و هر یک از ملت‌ها می‌کوشند در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای خود آنرا عینیت ببخشند پاسخگوی انتظارات بخش عظیمی از جوامع بشری است که از مسلمانان تشکیل می‌شود. ایده مردم سالاری دینی در شرایط جهانی شدن بیانی رسا از یک مفهوم بی بدیل، ولی ریشه دار فرهنگی و تاریخی در جامعه‌ای است که با چالش‌های جدی «ملت سازی» و «دولت سازی» روبرو بوده است. مردم سالاری دینی که تامین آرمان‌ها و خواسته‌های مردم ما بر اساس ارزش‌ها و معیارهای دینی را مطرح کرده است امروز به مفهومی پرابهام تبدیل شده است که در چارچوب فرایند جهانی شدن تشدید نیز می‌شود. جهانی شدن در عرصه اقتصادی و از طریق تکنولوژی‌های جدید ارتباطی بازارهای بین المللی جهانی را در راستای سرمایه داری غربی به هم مرتبط می‌کند و از این طریق مفهوم «ملی» را به حاشیه می‌برد.

در عرصه سیاست نیز نفوذ و کارکرد دولت‌های ملی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در پرتو این تحول امکان اعمال حاکمت ملی از سوی دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین الملل پس از پیمان وستفاليا مورد تردید جدی قرار گرفته است (کولایی، ۱۳۸۶: ۱۵۶-۱۵۵).

در کنار اینها، فعال شدن رژیم‌های بین المللی و سازمانهای غیردولتی که همگی ارزشهای جهانی شده غربی را نمایندگی می‌کنند را می‌توان به عنوان محدودکننده‌های نهادهای ملی محسوب کرد. سازمان‌هایی همچون حقوق بشر، عفو بین المللی، دیوان لاهه، سازمان شفافیت بین المللی سازمان دیده بان حقوق بشر از جمله مهم‌ترین آنها هستند (Clark, 1995).

ارزش‌هایی همچون حقوق بشر، شفافیت، آزادی بیان و اندیشه، حکمرانی خوب که با قوه قضائیه مستقل فسادناپذیری شناخته می‌شود در کنار حقوق کودکان و محیط زیست به ارزش‌های جهانی تبدیل شده اند که شرایط را برای تمامی گفتمان‌های دیگر از جمله مردم سالاری دینی بشدت بغرنج می‌کنند. آنها گسترش استانداردهای جهانی را در تامین حقوق مردم، تقویت کارآمدی دولت‌ها، پاسخگویی، شفافیت، نظارت پذیری و ... تقویت می‌کنند (Wilkin, 1997).

جهانی شدن فرصت دسترسی‌های وسیع‌تر را در عرصه‌های فرهنگی فراهم می‌آورد که امکان‌پذیرترینها را نیز دربردارد. این روند می‌تواند با ارائه فرصت‌های بهتر امکان ارتقاء فرهنگی جهانی را فراهم کند. ولی تردیدی نیست که به هر میزان برخورداری از ابزارهای نفوذ جهانی بیشتر باشد تاثیرگذاری هم شدت خواهد یافت. در روند شکل‌گیری فرهنگ جهانی بالاترین تاثیر از آن موثرترین و نافذترین ابزارها خواهد بود. این امر ضرورتاً ویژگی‌های برتر کیفی را به همراه نخواهد داشت. به هر ترتیب مبادله و جریان آزاد اطلاعات، برداشت‌ها و ایده‌ها می‌تواند به شکل‌گیری مجموعه‌ای از هنجارهای جهانی یاری رساند. با در نظر گرفتن این واقعیت که فرهنگ‌ها همواره در تغییر و تحول هستند و اندرکنش میان آنها بطور متوسط در جریان است توسعه ابزارها و فنون ارتباطی این تحول را تسریع می‌کند. به این ترتیب هویت‌ها و برداشت‌های بومی بشدت در معرض هنجارها و ویژگی‌های وارداتی قرار می‌گیرند. تن‌ها با تحکیم و تقویت مبانی داخلی آن امکان مواجهه و رویارویی موثر و نتیجه‌بخش وجود خواهد داشت (کولایی، ۱۳۸۳: ۱۶۶-۱۵۸).

### ۳-۱-۳ هویت و مردم سالاری دینی

به‌رغم چندقومی بودن جامعه ایران و به تعبیر آبراهامیان، موزائیک قومی (آبراهامیان، ۱۳۸۳) مفاهیم آگاهی قومی، آگاهی ملی در خودآگاه جامعه ایران فعال نبود و اساساً به این مفاهیم هم

آگاهی وجود نداشت. جامعه ایران از همبستگی ها، علائق، دشمنی های خویشاوندی، طایفه ای، فرقه ای، محلی، صنفی و ... برخوردار بود و یکپارچی آن در مجموع به کمک چهار عامل حفظ می شد: نظام سلطنت ایرانی به همراه والیان و عشایر وابسته به آن؛ پیشینه مشترک و تاریخی اقوام ایرانی در همزیستی و نزاع؛ اعتقادات دینی، نفوذ زبان فارسی (اشرف، ۱۳۸۳: ۴۲). در دوره قبل و بعد از انقلاب به دلیل شکل حکومت بر جنبه های خاصی از فرهنگ ملی یعنی ایرانیت و اسلامیت تاکید می شد. و همین امر نیز منجر به واکنش منفی جامعه به سلطه گفتمان هویتی حکومت می شد. جنگ هشت ساله و لزوم برطرف کردن خطر سرزمینی باعث تقویت حس ملی گرایی شد (جلائی پور، ۱۳۹۱: ۵۲). دهه دوم انقلاب و لزوم بازسازی کشور دال هایی همچون اصلاحات اقتصادی، تقویت طبقه متوسط توانست گفتمان سنت گرای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی را به سمت مردم سالاری دینی پیش ببرد و گفتمان جدیدی از هویت ملی را بنا نهاد که بر مبنای تقویت تکنوکراتیک طبقه متوسط و نهادهای مدنی در چارچوب سیاست های بازار آزاد بود که در نهایت به تقویت بنیان های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیروهای آزادی خواه شد (خلیلی، ۱۳۸۳: ۲۶۸). از این رو نیاز به مشارکت مدنی و سازما یافته برای تقویت مفهوم مردم و هویت ملی در بعد دموکراتیک و مردم سالاری دینی ضرورت آشکاری پیدا کرد (هاشمی چارسوقه، ۱۳۹۱: ۶۲). در این جنبش اعتقاد به ملت به معنای رعایت حقوق همه شهروندان در عرصه سیاست صرف نظر از تعلقات مذهبی، قومی، زبانی آن ها بوده است. در سطح حکومت نیز دولت اصلاح طلب تعریف از پائین به بالا را به جای تعریف رسمی از هویت پذیرفت (جلائی پور، ۱۳۹۱: ۵۶). در این دهه افزایش مشارکت و تفسیر مفاهیمی بالقوه از قانون اساسی مانند آزادی، مشارکت، پاسخگویی، حقوق شهروندی و .. میزان تحکیم نظام و پیوند مردم با آن را بر اساس گفتمان مردم سالاری دینی به نمایش گذاشت.

#### ۴- موضوعات مهم برنامه ریزی پیش روی حاملان گفتمان مردم سالاری دینی

مطابق با بررسی های کتابخانه ای پیشران های زیر به عنوان موضوعات مهم برنامه ریزی پیش روی حاملان مردم سالاری دینی در ایران معرفی می شوند: فقه سنتی و اجتهادی، جهانی شدن فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، هویت ملی شامل گزاره های قانون گذاری، مشارکت سیاسی همبستگی ملی. در این میان پیشرانهای فرعی همچون سلطه احیاءگری دینی یا سنت گرایی ایدئولوژیک رد مقابل روشنفکری دینی نیز در بحث فقه مطرح می شود. همچنین ممکن است پیشرانهای فرعی دیگری حول محور پیشرانهای دیگر نیز بیان شوند.

#### ۱-۴ تشکیل ماتریس سناریوها

پیش از تعیین پیشران‌های کلیدی برنامه ریزی (عناصر نسبتاً معین) می‌توان ماتریس سناریوها را براساس پیشرانهای کلیدی گفتمان مردم سالاری دینی تشکیل داد. براین اساس می‌توان سناریوهای آینده این گفتمان را براساس نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات محیط داخلی و بین‌المللی طراحی کرد.

براساس نتایج حاصله از مطالعات کتابخانه‌ای (البته این تحقیق می‌توانست مسلح به تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ای و نظرسنجی هم باشد اما با در نظر گرفتن روش تحقیق انتخاب شده در پژوهش حاضر، روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است) پیشران‌های، عملکرد حاملان گفتمان مردم سالاری دینی، جهانی شدن و هویت می‌تواند سه پیشران مهم و کلیدی و عدم قطعیت‌ها در آینده باشد. در این میان تأکید بر مولفه‌های مشارکت سیاسی و مطالبات مردم در نظام سیاسی و نیز رفتار و عملکرد حاملان مطابق با گفتمان مذکور به عنوان نقاط قوت و عدم توجه به این مقوله‌ها به عنوان نقاط ضعف شناسایی شوند.

همچنین ضلع دیگر ماتریس سناریوها را می‌توان براساس فرصت‌ها و تهدیدات موجود در محیط داخلی و بین‌المللی طراحی کرد. به عنوان مثال پاسداشت عناصر دینی، تاریخی و سنتی هویت ایرانی و لزوم توجه به مولفه‌های جدید هویت ایرانی همچون حقوق شهروندی، مشارکت سیاسی، قانون‌گرایی، همبستگی ملی، تکثر فرهنگی منجر به تقویت گفتمان مردم‌سالاری دینی می‌شود. در این میان تطابق عملکرد مسئولان با ارزش‌های مردم سالاری دینی نیز حائز اهمیت است. مردم سالاری دینی نیز همچون دموکراسی سکولار نیازمند وجود نوعی تکثر در بافتار و ساختار قدرت است از این لحاظ ماهیت سلسله مراتب اقتدار مذهبی در ایران شیعی که مبتنی بر فراوانی آیات عظام در هر عصر و تعدد مجتهدین جامع‌الشرایط است از یکسو و مشروعیت بخشی چنین علمایی به ساختار قدرت سیاسی که مبتنی بر ایدئولوژی مذهبی است در دیگر سو همه و همه باعث شده است تا جامعه شیعی ایران (برخلاف جوامع اهل سنت که در هر عصری بلحاظ مذهبی فقط تابع یک نفر بعنوان مفتی اعظم است) شاهد نوعی پلورالیسم مذهبی و مالا سیاسی باشد. بهمین دلیل می‌توان بین ارزش‌های پلورالیستی مطرح در جوامع دموکراتیک و ساختار تکثرگرای رایج در جامعه رهبران مذهبی در ایران نوعی تطابق و همپوشانی بوجود آورد. جامعه روحانیون و روحانیت مبارز که از دل حزب جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ بیرون آمدند مبتنی بر چنین مبنای مذهبی است، و خود خاستگاه و موجد نوعی نظام دوحزبی در کشور شده‌اند. نظام دوحزبی فوق‌الذکر باعث شده است تا رفتار هر کدام از دولت‌مردانی که با حمایت مردم به قدرت رسیده‌اند توسط حزب رقیب مورد

بازرسی قرار گرفته و رفتار و گفتار و کردارشان در زیر ذره بین جذب رقیب رصد شود و در صورت عدم انطباق رفتار آنها با ارزش‌ها و قوانین مردم سالارانه و نظام حقوقی و قانونی کشور ایراداتشان به اطلاع مردم رسیده و اقبال عموم مردم به خود را از دست بدهند. همچنین اصول مشخصی از قانون اساسی، حکایت از آن دارد که جمهوریت و توجه به آزادی‌های مشروع مورد تایید قرار گرفته و سازوکارهای لازم برای آن نیز تدارک دیده شده است که در فصل سوم قانون اساسی که به نوعی مشهور به حقوق شهروندی است ارتباط مستقیمی به مردم سالاری دینی دارد در نظر گرفته شده است. همچنین توجه به تمامی اقلیت‌ها و اقوام در مشارکت جویی امور کشور و تعیین سرنوشت و آزادی (قلم، بیان، آزادی‌های سیاسی و قانونی)، لزوم صیانت از دال جمهوریت نظام سیاسی به معنای مشارکت دهی به مردم برای حضور و اعمال تاثیر در تمامی حوزه‌های سیاسی و اقتصادی، توجه به حقوق شهروندی، حقوق زنان، اقلیت‌های قومی و زبانی مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موجب تقویت گفتمان مردم سالاری دینی می‌شود. نقیض موارد گفته شده نیز می‌تواند تهدید جدی برای این گفتمان باشد. در کنار آنها، هجوم جهانی شدن از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی جدید که عملاً دولت و ستفالیایی را بی معنی کرده و امکان کنترل دولتی را از بین برده می‌تواند به تقویت نیروهای گریز از مرکز و هویت‌های جدید و تفسیرهای متفاوت از مردم سالاری دینی بیانجامد. البته وجود این تهدید در گروه مورد قبلی است. به عبارت دیگر در صورت شناسایی آزادی‌های فردی و جمعی و به رسمیت شناختن مشارکت سیاسی و حقوق اقلیت‌های مختلف و نیز فراهم سازی امکان فعالیت همه ابعاد هویت ایرانی، اثر جهانی شدن می‌تواند به صورت کاتالیزوری کاهش یابد.

### جمع بندی و نتیجه گیری

هدف از این مقاله بررسی آینده پژوهی مردم سالاری دینی در ایران عصر جمهوری اسلامی بوده است. آینده پژوهی در این باره با در نظر گرفتن تعاریف و مولفه‌های آن، در دو بخش مطالعه روندهای گذشته و حال از یک طرف و پیش بینی آینده در قالب سناریوپردازی از سوی دیگر مورد بررسی قرار گرفت. براین اساس در آینده پژوهی مردم سالاری دینی ابتدا به روندهای گذشته این گفتمان پرداخته شد. مطالعه این روندها نشان داد که گفتمان مذکور اگرچه ریشه در تاریخ ایران و اسلام دارد با اینحال به صورت گفتمانی که دارای دال‌های محوری بوده همزمان با ورود مدرنیته و مردم سالاری غربی در ایران ظهور یافت. منازعه میان مشروطه خواهان به شکل حذف اسلام از شیوه حکمرانی در اندیشه برخی روشنفکران از یک



سو و تاکید بر لزوم ملاحظه آن در قانونگذاری، تشکیل مجلس و سایر نهادها از سوی دیگر اولین میدان تجربه گفتمان مردم سالاری دینی بود که در نهایت با توجه به ریشه دار بودن سنت اسلام در جامعه و میان افراد، به سلطه نسبی آن در نهادهای مختلف انجامید. ظهور رضا شاه و عدم توانایی وی - به رغم سیاست‌های غرب گرایانه - در حذف مبانی دینی و حاملان آن یعنی طبقه روحانی را می‌توان میدان دوم قوام گرفتن گفتمان مردم سالاری دینی دانست. پس از او محمدرضا شاه پهلوی نیز اگرچه راه پدر را در پیش گرفت اما دوره او را می‌توان نقطه عطفی در قوام گرفتن گفتمان مذکور دانست زیرا از یک طرف در این دوره، با سیاست‌های اصلاحی و حرکت گام به گام روحانیت جهت اصلاحات در طبقه خود روبروست و از طرف دیگر، برآمدن حضرت امام خمینی در سال ۴۲، خواسته‌ها و ارزش‌های موجود در گفتمان مردم سالاری دینی را که تشکیل حکومت، دال محوری آن بود برملا کرد. نتیجه نهایی هر دو تحول، پیروزی انقلاب اسلامی توسط طبقه روحانی بود که بیش از دو دهه خود را برای سلطه مطلق و پیروزی بر همه گفتمان‌های دیگر آماده کرده بود. پیروزی انقلاب اسلامی در واقع پیروزی گفتمان مردم سالاری دینی بود که بر حاکمیت الهی و مقبولیت مردمی بصورت یکجا تاکید می‌کرد و در قانون اساسی نیز به شکل مولفه‌های مشروعیت بخش الهی و مقبولیت بخش مردمی تجلی پیدا کرد. پس از بررسی روندهای گذشته و حال، آینده پژوهی این گفتمان نشان داد که پیشران‌های مهم تاثیرگذار را می‌توان در قالب موضوعاتی همچون فقه پویا، جهانی شدن، مسئله هویت، همبستگی ملی، مشارکت سیاسی و قانونگذاری نشان داد. این پیشران‌ها می‌توانند حامل تهدیدات و فرصت‌هایی باشند. به عبارت دقیق‌تر در صورتی که مردم سالاری دینی بتواند با فرایندهای جهانی شدن به پیش برود، فقه اسلامی پویایی خود را حفظ کند، مشارکت سیاسی بصورت عادلانه صورت گیرد، عملکرد مسئولان مطابق با قوانین و ارزش‌های مردم سالاری دینی باشد گفتمان مردم سالاری دینی می‌تواند کماکان به عنوان گفتمان مسلط به حیات خود ادامه دهد. در غیراینصورت ممکن اعتقاد و رواج آن صرفاً در میان مسئولان آن‌هم به شکل فرصت طلبانه و ریاکارانه حفظ شود.

## منابع و مآخذ:

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۲). **اندیشه ترقی و حکومت قانون: عصر سپهسالار**. تهران: خوارزمی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳). **بحران هویت ملی و قومی در ایران**. ایران: هویت، ملیت، قومیت، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۷۸). **مباحث ایدئولوژیک**. تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
- بازرگان، مهدی (۱۳۴۳). **بحث و ایدئولوژی**. تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
- بروجردی، مهرداد (۱۳۷۷). **روشنفکران ایرانی و غرب**، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز
- جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۸۱). **جامعه شناسی جنبش‌های اجتماعی: با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد**. تهران: نشر نو.
- چرمک، توماس (۱۳۹۴). **برنامه ریزی سناریویی در سازمان: چگونگی خلق، به کارگیری و ارزیابی سناریوها**، ترجمه مسعود متزوی، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
- خلیلی، محسن (۱۳۸۳). **هویت ملی، بررسی نقش اقوام، اقوام ایرانی و هویت ملی، مجموعه گفتمان‌های همایش علمی**، تهران: معاونت اجتماعی کشور
- کاجی، حسین (۱۳۷۸). **کبستی ما**، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه
- لیندگرن، ماتس و هانس باند هولد (۱۳۹۰). **طراحی سناریو: پیوند بین آینده و راهبرد**، ترجمه عزیز تاتاری، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- مازندرانی، عبدالله و محمد کاظم خراسانی (۱۳۷۴). **مراد از مشروعیت در سایر ممالک، مقصود از مشروعیت در ایران**، رسائل مشروعیت، تهران: کویر.
- برخورداری، عارف؛ مفتی، ابراهیم (۱۳۹۴). **سیر تحول اندیشه سیاسی ایران معاصر با تأکید بر مسئله مدرنیته. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۴۰-۲۳.
- سجودی نعمتی، اکرم (۱۳۸۶). **نقش فقه پویا در اتحاد ملی و انسجام اسلامی، ندای صادق**، شماره ۴۵ و ۴۶، صص ۷-۱.
- سزگونی، ایمان (۱۳۹۴). **آینده اسلام سیاسی در مصر با توجه به تحولات سال ۲۰۱۱ به بعد**، پایان نامه دکتری، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).
- رمضانی، ملیحه، سید جواد امام جمعه زاده، سید امیر مسعود شهرام نیا، فرهاد عباسی (۱۳۹۶). **سناریوهای آینده جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴. فصلنامه راهبرد**، سال بیست و ششم، شماره ۸۳، صص ۱۶۳-۱۳۱.
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۷). **مردم‌سالاری دینی در ایران و برخی کشورهای اسلامی، فصلنامه خط اول**، سال دوم، شماره ۴، صص ۵۰-۲۵.
- اری، سید عبدالحسین (۱۳۷۷). «قانون در اتحاد دولت و ملت» رسائل مشروعیت، کلانوا، ارنستو، در گفتمان؛ ترجمه - حسینعلی نودری، **فصلنامه گفتمان**، شماره صفر
- مطهری نژاد، سید مجید، محمد هادی همایون، سعید خزایی، محمدرضا حاتمی (۱۳۹۵). **بازاندیشی سیاسی در نظریات و الگوهای آینده نگر**، مناسب چشم انداز تمدنی انقلاب اسلامی، **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال دهم، شماره ۳۵، صص ۱۵۴-۱۳۳
- هاشمی چارسوقه، مجتبی (۱۳۹۱). **توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب با توجه به نگاه گفتمانی مردم سالاری دینی، ره آورد سیاسی**، پانز و زمستان، سال دهم، شماره ۳۷ و ۳۸.
- مقام معظم رهبری، «بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات دانشجویی»، ۱۳۷۷/۱۲/۴.
- مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار مردم کاشان و آران و بیدگل»، ۱۳۸۰/۸/۲۰
- مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری»، ۱۳۹۲/۶/۱۴
- Blackburn, Simon, (1996), **Oxford Dictionary of Philosophy**, Oxford: Oxford University Press.
- Cark. Ann Marie (1995). **Strong Principles, Strengthening practices: Amnesty International and Tree Cases of Change in International Human Rights Norms**, US: University of Minnesota.
- Masini, Elenora, (1983) **Visions of Desirable Societies**. Oxford: Pergamon Press
- Wilkin, peter (1997), **New Myth for South**, in: **Caroline Thomas and Terwilk in, Globalization and South**, GB.Ipswich, pp.30
- Schoemaker, P.J.H (1995), "Scenario Planning: A tool for strategic thinking", **Sloan Management Review**, Vol.36, No.2: 25- 40
- Amara, Roy, (۱۹۷۴) 'The Futures Field: Functions, Forms and Critical Issues', **Futures**, Vol.6(4).